



عوامل موثر بر جایگاه زن در جهان اسلام از نظر علامه طباطبایی

فهم دقیق دیدگاه علامه در مسئله «زن» نیازمند شناسایی مبانی ایشان است که بر اساس این مبانی، علامه (ره) مباحث جنسیتی مورد نظر را صورت‌بندی می‌کند و این مباحث غیرجنسیتی است که پیش‌فرض فهم یا قبول مباحث ایشان درباره زنان است.

فهم دقیق دیدگاه علامه در مسئله «زن» نیازمند شناسایی مبانی ایشان است که بر اساس این مبانی، علامه (ره) مباحث جنسیتی مورد نظر را صورت‌بندی می‌کند و این مباحث غیرجنسیتی است که پیش‌فرض فهم یا قبول مباحث ایشان درباره زنان است.

به گزارش *خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)*، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا زیبایی‌نژاد، رئیس مرکز مطالعات زن و خانواده حوزه علمیه در یادداشت کوتاهی که با عنوان «زن در نگاه علامه طباطبایی» نوشته، به اهم نکات در این رابطه اشاراتی کرده است. در ادامه این یادداشت ارائه می‌شود.

الف) درباره علامه و المیزان

اگر علامه طباطبایی (ره) را برجسته‌ترین شخصیت علمی جهان تشیع در قرن بیستم بنامیم، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. برجستگی این عالم فرزانه مرهون چند ویژگی است.

اول، روزآمدی: رفتار علمی علامه در المیزان عکس‌العملی حکیمانه در قبال نیاز جامعه علمی بوده است. در دهه 1320 که افکار حزب توده از سوی تقی‌آرانی به گفتمان مسلط در جامعه روشنفکری تبدیل می‌شد، واکنش علامه در تشکیل حلقه مباحثاتی «اصول فلسفه و روش رئالیسم» که منجر به انتشار کتابی به همین نام شد، مجتمع اسلامی را تا حدود زیادی بیمه نمود. این روزآمدی را در آثار بعدی این اندیشمند به‌ویژه در المیزان نیز می‌توان مشاهده کرد.

دوم، جامعیت علمی: کافی است دانشوران تفسیر المیزان را پیش روی خود بگشایند تا به دریایی ژرف از دانش وارد شوند. به‌ویژه در بخش‌هایی که تحت عنوان «بیان» به مخاطب ارائه می‌شود تلاطم علمی علامه را می‌توان مشاهده نمود.

سوم، تفکر اجتماعی: برخی علامه را اولین متفکر اجتماعی مسلمان پس از ابن‌خلدون می‌دانند. اندیشه اجتماعی این متفکر را در تفسیر آیه 200 آل‌عمران و در ضمن آیات متعدد دیگر می‌توان مشاهده نمود.

چهارم، جریان‌سازی علمی: از توفیقات علامه (ره) آن است که مباحث کلیدی خود را در حلقه‌ای از فضلا و دانشوان به بحث گذاشته و سپس منتشر کرده است. در زمان ما فرزندان پرشماری از جمله آیت‌الله مطهری، آیت‌الله جوادی، آیت‌الله مصباح یزدی که هر کدام نیز اثر یا آثاری در مباحث زنان از خود به یادگار گذاشته‌اند، به بهره‌گیری از دیدگاه علامه مفتخرند. پراوازه‌ترین اثر 50 سال اخیر در مباحث زنان نظام حقوق زن در اسلام است که می‌توان آن را به گونه‌ای بازسازی دیدگاه علامه در تفسیر المیزان دانست.

گرچه جامعه علمی شیعه همواره از سوی مخالفان متهم به نداشتن آثاری در خورد در قرآن‌پژوهی و تفسیر بوده است اما به جرأت می‌توان گفت که دو تفسیر مجمع‌البیان (اثر ثقه‌الاسلام طبرسی) و المیزان فی تفسیر القرآن از بهترین تفاسیر اسلامی در طول اعصار بوده است. روش علامه گرچه تفسیر قرآن به قرآن است اما هیچ‌گاه خود را بی‌نیاز از مراجعه به روایات نمی‌داند تا آن‌جا که مخاطب احساس می‌کند علامه بدون توجه به متون روایی به فهم قرآن نمی‌پردازد.

ب) مباحث زنان در المیزان

مباحث علامه طباطبایی درباره شخصیت، جایگاه اجتماعی و حقوق و مسئولیت‌های زن را در ذیل آیات مختلف می‌توان پی‌گرفت اما مهم‌ترین مباحث را در ذیل آیه 228 سوره بقره، آیه 2 و 34 سوره نساء و آیه 18 زخرف مشاهده می‌کنیم. برخی مباحث نیز در ذیل آیات ارث، آیات ازدواج و آیات طلاق بیان شده‌اند. حجم مباحث مطرح‌شده المیزان درباره زن و خانواده به حدی است که توضیحات بیانی المیزان در این‌باره که در قالب کتابی مستقل به نام «زن در قرآن» منتشر شده به 650 صفحه بالغ می‌شود. در عین حال مراجعه به کتاب زن در قرآن به دو دلیل پژوهشگر را از مراجعه به متن عربی المیزان بی‌نیاز نمی‌کند: اول، به دلیل آن که زن در قرآن صرفاً مباحثی را آورده که تحت عنوان «بیان» در المیزان آمده است و مباحث مطرح شده در توضیح آیات به این کتاب منتقل نشده است. دوم به دلیل نارسایی در برخی عبارات ترجمه شده.

برای فهم دقیق دیدگاه علامه لازم است مبانی ایشان را شناخت. منظور از مبانی، مباحثی غیرجنسیتی است که پیش‌فرض فهم یا قبول مباحث ایشان درباره زنان است.

برخی از این مبانی عبارتند از:

1. هدفمندی و حکیمانه بودن خلقت
2. هماهنگی تکوین و تشریع و یا به عبارت دیگر هماهنگی حقوق زن و مرد با فطرت آنان
3. نظام‌مندی حقوق و ضرورت فهم نظام‌مند (و شبکه‌ای) حقوق زن و مرد
4. پرهیز از حقوق زدگی و ضرورت پیوند میان حقوق و اخلاق (به‌ویژه در روابط خانوادگی)
5. عدالت به معنای رعایت تناسب میان تکوین و تشریع، میان جایگاه‌ها، کارکردها و حقوق

6. ضرورت اتخاذ نظام تربیتی مناسب با اهداف دین

7. اختیار ویژه حاکم اسلامی در حوزه مباحات

بر اساس این مبانی است که علامه(ره) مباحث جنسیتی مورد نظر را صورت‌بندی می‌کند. در این صورت‌بندی می‌توان اصول دیدگاه‌های ایشان را درباره شخصیت و حقوق زن چنین برشمرد:

1. برابری انسانی و ارزشی زن و مرد

2. مکملیت زن و مرد

3. تمایزات تکوینی در جسم و روح

4. تمایزات کارکردی (تمایز در جایگاه و نقش)

5. تمایزات عادلانه در حقوق و مسئولیت‌ها

6. ابتدای ساختار خانواده و نظام حقوقی زن و مرد بر فطرت

7. ضرورت حاکمیت فضای اخلاقی بر روابط خانوادگی

8. تعلق ویژه زن به خانواده

علامه(ره) بر این باور است که منشأ اصلی فرودستی زنان «ظلم» مردان به آنها بوده است. در اینجا آیت‌الله مطهری بر استاد خویش خرده می‌گیرد و این دیدگاه را تقویت می‌کند که علت اصلی فرودستی زنان جهالت است نه ظلم. نتیجه این اختلاف دیدگاه در برنامه‌های اصلاحی دیده می‌شود. به نظر مطهری(ره) راه از میان برداشتن فرودستی زنان، انقلاب سفید (رفع جهالت یا اصلاح نظام تربیتی) است نه انقلاب سرخ و محال است که بتوان زن و مرد را به مثابه دو طبقه در مقابل یکدیگر صف‌بندی نمود.

علت وضعیت نامطلوب زنان در جهان اسلام از نظر علامه

علامه در پاسخ به این پرسش که چرا موقعیت زنان در جهان اسلام نامطلوب‌تر از بسیاری از جوامع دیگر از جمله جوامع غربی است، بی‌کفایتی حاکمان و تربیت غلط را عامل اصلی این وضعیت اسفبار می‌شمارد. از نگاه وی، حاکم اسلامی در محدوده مباحات، در صورتی که مصلحت اقتضا کند، قوانین الزام‌آور وضع کند، بدون آن‌که ادعای تشریع نماید. پژوهشگرانی که در موضوع زن در اندیشه متفکران شیعه مطالعه می‌کنند باید نقاط متمایز دیدگاه علامه، استاد مطهری، آیت‌الله جوادی، و آیت الله مصباح را مورد توجه قرار دهند و از ارجاع سخنان آنان به یکدیگر، بدون مطالعه کافی اجتناب نمایند.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)